"B of Bismellah" Exhibition of new works of Master Jalil Rasouli
نمایشگاه آثار تازه‌ای از استاد جلیل رسولی

یا جمیل و یا جلیل

کنگره عشق نیست منزل هر بلهوس

طایر این آشیان جان حسین است و بس

آغاز این نوشتار، که در تکریم منزلت هنری استاد گرانقدر جلیل رسولی است (با بیتی از شاعر سالک، فؤاد کرمانی)، محصول رازی است در دل این نگارنده که بیش‌وکم نیم قرن مجال بیان آن نبود و امروز زمان ابراز آن است.

هنوزم ز خُردی به خاطر در است که پنجاه‌ویک سال پیش از این، در دوران تحصیل علم، به همراه استاد هنرمندم، مرحوم غلامرضا تنها، که خوش‌نویسی طناز و زبردست بود، به قصد هنرآموزی و تجربه‌اندوزی در دومین نمایشگاه آثار استاد بی‌همتا، جلیل رسولی، در گالری سیحون حاضر شدیم؛ یک صبح دل‌انگیز و آفتابی از پاییز ۱۳۵۴ خورشیدی، در بهشتی رویایی از تابلوهای نقاشی‌خط استاد جلیل رسولی که دل می‌ربود و جان می‌افزود.

این نخستین بار بود که معجزه نقاشی‌خط را از نزدیک می‌دیدم و بر سبیل کنجکاوی آن سال‌ها، در ورای رنگین‌کمان منحنی‌ها و نقطه‌های دل‌انگیز هر شاهکار، به دنبال آیه یا بیت شعری می‌گشتم که در ورای نقوش این طاووس‌های رنگین‌بال پنهان شده بود. هر زمان که دلبر معنا درشتی می‌کرد و نقاب از چهره برنمی‌داشت، استادم، غلامرضا تنها، به یاری می‌آمد و گره از آن معمای رنگین می‌گشود و عجب سیاحت شیرینی بود سیر در میان آن گلستان آیات و ابیات که هنوز، در پی گذر نیم قرن، بسیاری از آن معانی نورانی در خاطرم حک شده است.

از آن جمله، تابلویی به رنگ سرخ آتشین با این بیت منتسب به پوریای ولی:

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دمی، یا درمی، یا قدمی، یا قلمی

و اثری با این بیت از صادق سرمد:

پر و بال ما بریدند و در قفس گشودند

چه رها چه بسته مرغی که پرش بریده باشند

یا تابلویی با این بیت از قاآنی شیرازی:

چند خواهی پیرهن از بهر تن

تن رها کن تا نخواهی پیرهن

و یک تابلوی شاهکار که وقتی استاد غلامرضا تنها مقابل آن ایستاد، لحظه‌ای درنگ کرد و با چشمی نمناک این‌گونه خواند:

کنگره عشق نیست منزل هر بلهوس

طایر این آشیان جان حسین است و بس

ولاجرم، با گذر این همه سال، از بوستان خیال‌انگیز آثار استاد جلیل رسولی، این شاه‌بیت بیش از همه در خاطر نگارنده مانده است.

یادم هست هم‌زمان که در گالری سیحون سرگرم سیاحت بودیم، استادمان، که با آفریننده این نمایشگاه سابقه رفاقتی داشت، لحظه‌ای ایستاد و بی‌مقدمه گفت: «بچه‌ها، استاد جلیل رسولی!»

و ما آن زمان جوانی بالابلند و محجوب دیدیم که با صورتی خندان بر پلکان میان دو طبقه ایستاده بود و به ما خوشامد می‌گفت. این نخستین دیدار من با استاد جلیل رسولی ۲۸ساله بود؛ دقیقا ۵۱ سال پیش و انگار که همین دیروز... . و اکنون، که به لطف الهی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مجموعه فرهنگی و هنری آسمان میزبان نمایشگاه آثار قرآنی آن استاد جلیل است، هنوز هم، همان وقار فروتنانه برتراویده از انس با آیات الهی در وجود ایشان جاری است. شاید راز این همه توفیق را در سلوک مخلصانه استاد جلیل رسولی بیابیم که از عمق جان آیه نورانی «کلمه الله هی العلیا» را آن‌سان زیبا و استوار ترسیم کرد که محصول این تجلی هنرمندانه سال‌ها بر تارک محضر رهبر فقید انقلاب اسلامی امام‌خمینی(ره) نورافشان بود.

کلام آخر دعای خیری است بدرقه همت آن استاد پیش‌کسوت که در سالروز تولد ۷۹سالگی ایشان، این نمایشگاه قرآنی را با یاد و اذن رب جمیل افتتاح می‌کنیم.

مجید شاه‌حسینی، رییس فرهنگستان هنر

پاییز ۱۴۰۵

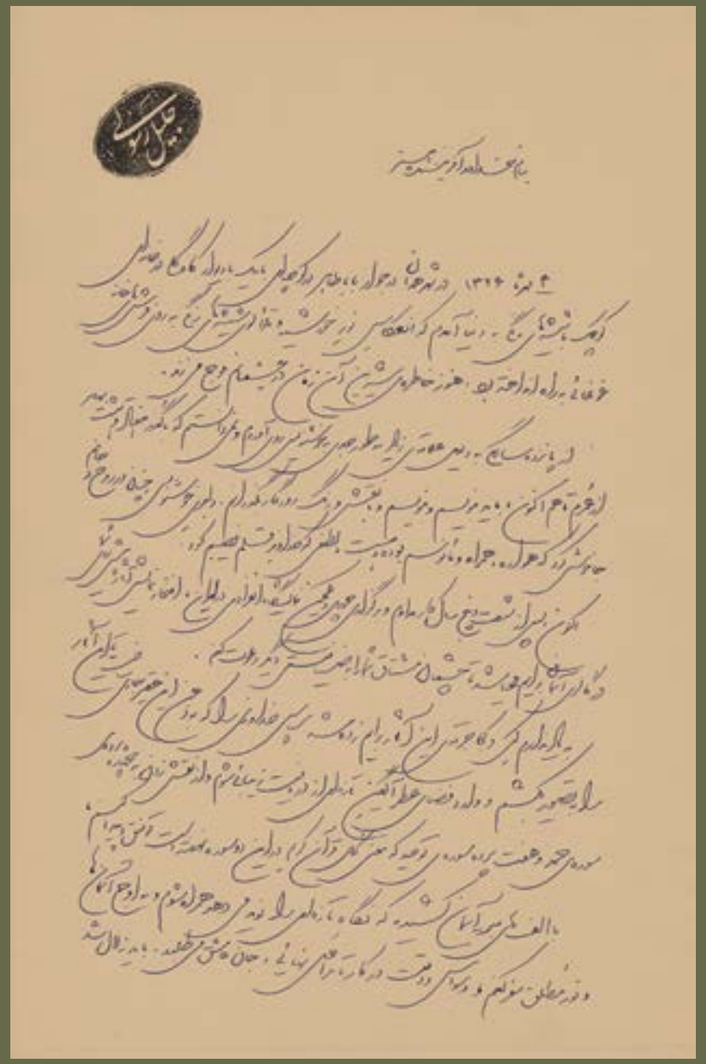

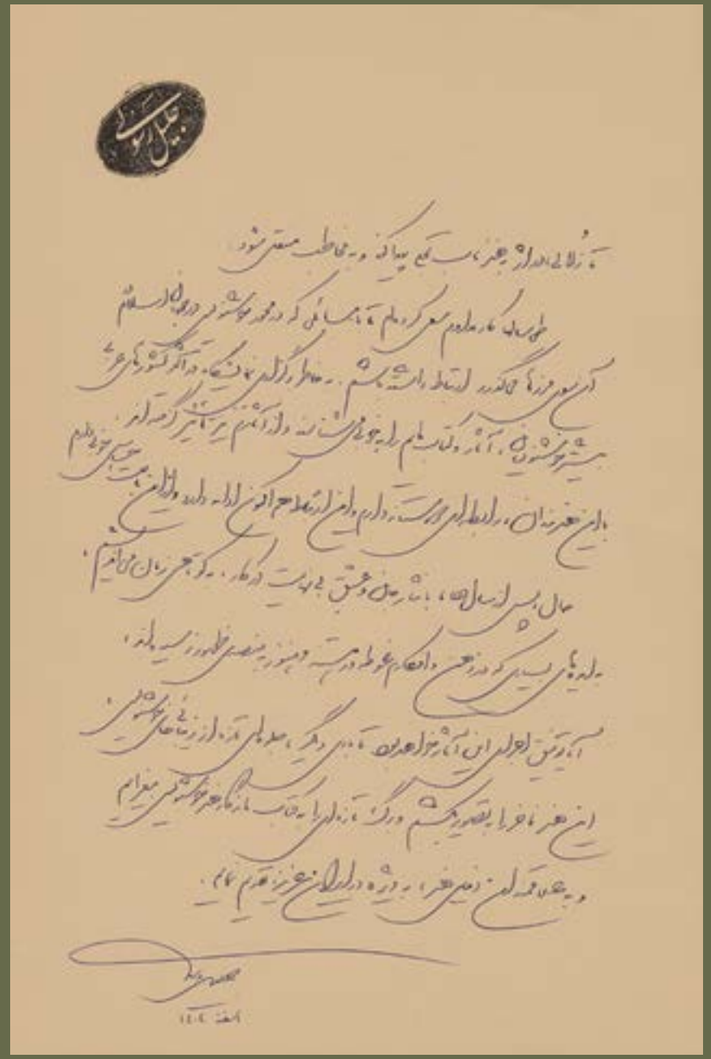

«ب بسم‌الله»

تدارک نمایشگاهی از استاد جلیل رسولی در سال گذشته و به پیشنهاد فرهنگستان هنر مطرح و مسئولیت بررسی و همچنین طرح موضوع با استاد به عهده مجموعه فرهنگی هنری آسمان گذاشته شد. گفت‌وگو با استاد رسولی آغاز راه بود. به همراه سرکار خانم دکتر ناهید عبدی، معاونت محترم پژوهشی فرهنگستان، جلساتی با استاد برگزار شد و بالاخره توفیق با ما یار بود و استاد قبول کردند که بخشی از آثار دیده‌نشده را برای نمایش در اختیار مجموعه آسمان قرار بدهند.

آشنایی با استاد برای بنده شبیه به حضور در بخشی از تاریخ هنر خوشنویسی معاصر ایران شد. مصاحبه‌ای تنظیم گردید و در گفت‌وگوهایی فی‌مابین، بیشتر با تجارب و نظرات استاد آشنا شدم؛ از ظرایف خوشنویسی و تکنیک‌های اجرا، تا یاد استادان خوشنویسی همانند میرعماد، میرزا غلامرضا، بعدترها سید حسن میرخانی و سید حسین میرخانی، عباس اخوین، رضا مافی و گاه نام گالری‌های مشهور و بسیاری دیگر در میان بود. اوقاتی با احترام بسیار طی شد و آموختیم.

استاد جلیل رسولی از خوشنویسان و البته پیشگامان خط‌نقاشی ایران است. او در ردیف پنج نفر اول نقاشی‌خط ایران از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد مطرح می‌باشد. استاد از شاگردان برجسته استاد سیدحسن میرخانی است و خوشنویسی مرسوم (کلاسیک) را استادانه اجرا می‌نماید. بیشتر مضامین مورد استفاده استاد رسولی از احادیث و آیات قرآن و مضامین معرفتی است. تلفیق هنرمندانه خوشنویسی سنتی ایرانی با رنگ و بوم و ایجاد سایه‌روشن‌های الوان، مسیری جدید را برای خلق اثر مبتنی بر خوشنویسی کلاسیک نشان می‌دهد. او خوشنویسی را در ساحت جدیدی ارائه می‌نماید که همچنان در آن خوانایی حروف و کلمات مورد توجه است. هرچند استاد رسولی را همگان به نقاشی‌خط می‌شناسند، ولیکن کتابت بخش‌های عمده‌ای از نهج‌البلاغه در سال‌های نه‌چندان دور در کارنامه ایشان وجود دارد. خلق آثار بسیار از دیگر ویژگی‌های استاد است که بی‌ارتباط با خلوت‌گزینی و دوری استاد از فضاهای شلوغ بیرون نیست.

بیایید و ببینید

نمایشگاه پیش‌رو با عنوان «ب بسم‌الله»، عنوان نمایشگاهی از تازه‌ترین آثار دیده‌نشده استاد جلیل رسولی می‌باشد. ۲۳ اثر بزرگ رنگ و روغن در قالب نقاشی‌خط، متشکل از ۱۶ تابلو از سوره «حمد» و ۷ تابلو از سوره «توحید»، آثاری هستند که برای اولین بار ارائه شده‌اند. نقاشی‌خط‌هایی نفیس با ابعاد بزرگ بر بوم نقش بسته‌اند؛ الف‌های کشیده خط شکسته که با قامت بسیار بلند خودنمایی می‌کنند، ایده‌ای نو را با خود دارند، آنها تنه‌به‌تنه کنار هم ایستاده و ریتمی خوشایند را زمزمه می‌کنند و صدایی طلایی از میان آنها به بیرون بانگ می‌زند که بیا و ببین. گرفت‌وگیر و ترکیب خط شکسته در میانه‌های آثار ملاحتی به آثار داده که البته خط استاد به این توصیف مشهور است. این پرونده نمایشگاهی برای علاقه‌مندان هنر و پژوهشگران حوزه نقاشی‌خط و خوشنویسی معاصر در حکم دوره‌ای جدید از مراحل کار استاد جلیل رسولی است.

این‌همه با یک نقطه در هر تابلو (سوره)، که تمثیلی از تفسیر عرفانی قرآن کریم است، که می‌گوید همه قرآن در سوره حمد جمع شده است و همه سوره حمد در «با بسم‌الله» آن و «با بسم‌الله» در نقطه آن یکجا جمع شده، آراسته شده است. گویی اشارتی به تجسم عینی معرفت در نقاشی‌خط‌های استاد بدل گشته. در اینجا لازم است از تمامی معاونین و ادارات و همکاران فرهنگستان هنر و مجموعه آسمان قدردانی کنم. این کاتالوگ بدون یادداشت ریاست فرهنگستان هنر و استادان همراه زیبنده نمی‌شد. قدردان آنها هستم، خصوصاً از طراح گرافیک این رویداد، آقای فرزاد ادیبی، که با روی باز این مهم را پذیرفتند، تشکر می‌نمایم.

مسعود ناصری، رئیس مجموعه فرهنگی هنری آسمان

شهریور ۱۴۰۵

هنر به‌مثابه ودیعه‌ای الهی

استاد جلیل رسولی؛ دیالکتیک سنت و نوآوری، از صیانت خط تا خلق دنیای نقاشی‌خط

سخن‌گفتن از هنرمندی همچون استاد جلیل رسولی، فراتر از توصیفی متعارف، مواجهه‌ای است با میراثی که مایه افتخار هنرهای تجسمی ایران است. ایشان نه‌تنها در مقام پاسدار و صیانت‌کننده از میراث اصیل خوش‌نویسی ایران‌زمین شناخته می‌شوند؛ بلکه با نوآوری‌های مستمر در قلمرو «نقاشی‌خط»، افقی تمدن‌ساز در گفتمان میان نقاشی و خوش‌نویسی گشوده‌اند؛ افقی که در آن، مرز میان خط و تصویر، به‌جای دوری و برخورد، به تعامل و پیوند می‌رسد.

مسیر هنری استاد رسولی مسیری است که در بیش از شش دهه فعالیت، با دقت و تأمل، طی شده است. ویژگی بنیادین تجربیات ایشان «پویایی در عین اصالت» است؛ به‌گونه‌ای که بنیان‌های خوش‌نویسی همواره ستون فقرات آثار ایشان را تشکیل داده؛ اما ایشان هرگز در تکرار الگوهای پیشین گرفتار نشده‌اند. تاریخ فعالیت‌های ایشان گواهی می‌دهد که استاد، در هر دوره، با رویکردی تازه و پرسش‌هایی نو، مخاطبان حرفه‌ای را با تجربه‌ای بی‌سابقه روبه‌رو کرده‌اند؛ تجربه‌ای که در آن، هر نمایشگاه وعده کشف شکلی تازه از زیبایی و خلاقیت است، نه تکرار فرم‌های ازپیش‌تعریف‌شده.

در میان هنرمندانی که به هم‌نشینی و تعامل و امتزاج شیرین خط و نقاشی پرداخته‌اند، جایگاه جلیل رسولی منحصربه‌فرد است. ایشان بر این باورند که «نقاشی‌خط» نباید به معنای برهم‌زدن ساختار خط تلقی و اِعمال شود؛ بلکه باید معنای غایی آن را در بستر نوعی تصویر بازنمایی کند. از دیدگاه ایشان، تسلط بر قواعد سخت‌گیرانه خوش‌نویسی، پیش‌شرط لازم برای دمیدن «روح» در کالبد نقاشی‌خط است؛ فرایندی که تنها از مسیر ممارست‌های طاقت‌فرسا و ابداع‌های هنرمندانه حاصل می‌شود. این نگاهْ مجموعه‌آثار متنوع ایشان را به نمونه‌ای بارز از گفتمان «سنت و نوآوری» بدل کرده است که در آن، سنت نه مانعی برای حرکت، بلکه نقطه پرتابی برای ورود به عرصه‌های نوین است.

تحول بزرگ در کار استاد رسولی از گذار هوشمندانه از «تکنیک» به «هنر» نشئت می‌گیرد. ایشان، در سال‌های نخست، با پای‌بندیِ مثال‌زدنی به اسلوب‌ها و قواعد کلاسیک، در پی تسلط بر فن بودند؛ اما با گذشت زمان و در پی تجربه‌های عمیق، توانستند از بند قواعد صِرف و تنها «فن‌سالارانه» عبور کنند. این گذار نه به معنای نادیده‌گرفتن اصول، بلکه به معنای تعالی‌یافتن از سطح قواعد دست‌وپاگیر به سطح «آگاهیِ زیبایی‌شناختی» و نوآوری به معنای اصیل آن است. آثار استاد رسولی نمونه‌هایی بارز از دیالکتیک سنت و نوآوری، و جست‌وجوی مرزهای نو در قلمرو خط و خوش‌نویسی است. او از سرآمدان پیونددهنده سنت و تجدد، در عرصه نقاشی‌خط، محسوب می‌شود. استاد و آثارشان تبلور سنت در آینه نوآوری‌اند. حاصل ممارست ده‌هاساله استاد مجموعه‌هایی استثنایی است که بر تارک هنرهای تجسمی ایران می‌درخشند.

در مقام شخصیت، استاد رسولی تجسم همان نظم و انضباطی است که در آثارشان جاری است. ایشان هنرمندی‌اند که زندگی شخصی و زیست هنری‌شان در پیوندی عمیق قرار دارد. دوری از حواشی و پرهیز از تجارت هنر نشان از آن عشق خالصانه و بی‌دریغ به مفهوم حقیقیِ هنر دارد؛ شخصیتی متواضع و باوقار و آراسته که حضورش، در محافل هنری، همواره با حسی از آرامش و احترام همراه است؛ هنرمندی که کلام و منش و حرکات و سکناتش نشان می‌دهد جست‌وجوی حقیقت، پیش از هر چیز، باید از درون انسان آغاز شود.

در نهایت، نباید از پیوند عمیق جهان هنریِ ایشان با ریشه‌های فرهنگی و معنوی‌شان غافل شد. عشق به ادبیات غنی فارسی و آمیختگی با حکمت‌های دینی و فرهنگ اهل‌بیت، علیهم‌السلام، به آثار ایشان ابعادی فراتر از زیبایی‌شناسیِ صِرف بخشیده است. برای ایشان، که سال‌ها در سکوتْ مسیری سخت را از صیانت خط تا خلق دنیای نقاشی‌خط سپری کرده است، هنر به‌مثابه امانتی الهی و نیایش عاشقانه انسان با خالق هستی است. استاد رسولی هنرمندی است که هنر حقیقی را نه مهارت، بلکه «ودیعه‌ای الهی» می‌بیند؛ تجلیِ نوری که خداوند بر برگزیدگان خویش می‌بخشد. این نگاه عارفانهْ جلیل رسولی را از یک فناور و تکنیسینِ خط به یک «عارف هنرمند» و «هنرمند عارف» و چهره‌ای ماندگار در تاریخ هنر معاصر ایران بدل کرده است.

سخن‌گفتن از هنرمندی جلیل‌القدر همچون استاد محمدجلیل رسولی هرچند سخت است، مایه مباهات قلمی است که از ایشان می‌نویسد. او سرمایه‌ای ملی و چهره‌ای کم‌نظیر در تاریخ هنر کشور است که علاوه بر نقش راهبردی که در پاسداشت هنر خوش‌نویسیِ اصیل ایران‌زمین داشته و دارد، با نوآوری‌های خلاقانه و مکرر در قلمرو «خط‌نقاشی» و «نقاشی‌خط»، افقی زیبا و افتخارآمیز در گفت‌وگوی نقاشی و خوش‌نویسی گشوده است.

مصطفی گودرزی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر

تابستان ۱۴۰۵

ان الله جمیل و یحب الجمال

خطت که بر خط یاقوت می‌نهم ترجیح

نوشته است بر آن لعل لب که: انت ملیح

کمال خجندی

از مهمترین معیارهای جاودانگی هنرمندان این نکته است که اگر این شخص در این صنف از هنر نبود، چه می‌شد. آیا بودن این هنرمند برای تاریخ آن هنر مفید و تأثیرگذار بوده است؟ چنانچه این فرد را از هنر معاصر حذف کرده و نادیده انگاریم، آیا اتفاقی رخ خواهد داد؟ این معیار می‌تواند خارج از زد و بندهای خرید و فروش آثار، وابستگی هنرمند به حامیان مالی و قدرت حاکم باشد و به عواملی چون جریان‌ساز بودن وی بپردازد. اغلب خوشنویسان تنها برای خود و خانواده‌شان مفید بوده و هنرشان را بسان شغلی برای معیشت زندگی دیده‌اند. در نسخه‌پردازی و هنرهای وابسته، این دسته از افراد در اکثریت‌اند و هزاران هزار نسخهٔ خطّی، مُرقّع و قطعه‌های بازمانده از گذشته تاکنون گواه این نکته‌اند. اگرچه ایشان میراث مکتوب ملتی را حفظ کرده و به دست آیندگان سپرده‌اند و نسل‌های بعد از زحمات ایشان بهره‌مند شده‌اند، اما ردپایی در تاریخ هنر برجای نگذاشته‌اند و در نبود چاپخانه، نقش دستگاه چاپ را داشتند و سنّت استنساخ را زنده نگه می‌داشتند.

در سویی دیگر هنرمندانی هستند که هنرشان را بر دیگر دلبستگی‌ها در اولویت قرار داده و ارتقای کیفی هنر و جریان‌سازی را پیش چشم قرار داده‌اند. این دیدگاه با اصول صفا و شأن ارتباط دارد و باباشاه اصفهانی در رسالهٔ ارزشمند آداب المشق به توصیف آن پرداخته است. صفا مرحله‌ای است که نگارنده چنان از خود بی‌خود می‌شود که از هرکار دیگری دست می‌کشد و نمونه‌اش را در بغداد سال ۶۵۶ هجری شاهدیم که نقل کرده‌اند هنرآموزی دوان‌دوان خود را به کارگاه یاقوت مستعصمی رساند و گفت که مغولان وارد شهر شده و قتل عام را آغاز کرده‌اند و باید بسرعت گریخت. یاقوت مستعصمی در حالی که گویا خبر این فاجعه را نشنیده است، لبخندی زده و به او می‌گوید که بنگر این حرفی که نوشته‌ام به تمام مغولان می‌ارزد. در نتیجه صفا کیفیتی میان هنرمند و اثر اوست. اما در تعریف شأن آورده‌اند که صرف‌نظر از هنرمند، مخاطب اثر هم محو زیبایی آن شده و نمی‌تواند از تماشای آن اثر دل بکند و به تعبیری میان اثر هنری و مخاطب، کیفیتی روی می‌دهد.

دوست ارجمندم آقای مسعود ناصری، مدیر مؤسسهٔ فرهنگی هنری آسمان، درخواست کرد تا مطلبی کوتاه برای تقارن سالگرد تولد استاد جلیل رسولی و نمایشگاهی از آثار ایشان بنویسم. نیک می‌دانیم که از استادان بنام نوشتن و از هنرمند هم‌عصر نوشتن سهل نیست، چراکه بیم آن است که تمجید به مجیزگویی نزدیک شود و نقد و بررسی به ناسزا و بدگویی.

جلیل رسولی از دههٔ پنجاه تاکنون خوشنویسی با برنامه و منظم است. زندگی هنری‌اش دوره‌بندی دارد و هر چند سال یک‌بار، آثارش را به نمایش گذاشته و اغلب آنها را به شکلی شایسته چاپ کرده است و روندی منظم و منطقی را پس پشت گذاشته است. در شرح زندگی هنرمندان غربی هم این نکته اهمیت و برجستگی دارد. آثار هر نقاش، مجسمه‌ساز، گرافیست، عکاس و کارگردان و جز اینها انعکاس برشی از زندگی هنری اوست.

در ایران، از زمان درگذشت محمدرضا کلهر (۱۳۱۰ ق.) و محمدحسین عمادالکُتّاب (۱۳۱۵ ش.) خوشنویسی رو به افول گذاشت و تا دهه‌های اخیر، گُسستی میان این هنر و دیگر هنرمندان روی داد. خوشنویسی وارد مدرسهٔ صنایع مستظرفه نشد و در دورهٔ پهلوی به دانشگاه راه نیافت و نهادی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم آن را نادیده گرفت؛ تا آنکه در ۱۳۲۹ خورشیدی کلاس‌های آزاد خوشنویسی به همّت بزرگانی چون دکتر مهدی بیانی تأسیس شد. با وجود این، نهاد خوشنویسی تا اواخر دههٔ پنجاه خورشیدی حتی یک دفتر مستقل و ساختمان مرکزی نداشت و با همّت استادانی چون سیدحسین و سیدحسین میرخانی، علی‌اکبر کاوه، جواد شریفی و دیگران، نام این نهاد در دههٔ پنجاه خورشیدی به انجمن خوشنویسان ایران تغییر یافت و به حیات خود ادامه داد. با آنکه پس از انقلاب اسلامی شمار شعبه‌های انجمن خوشنویسان به سیصد رسید اما این اقبال همگانی بیشتر برای کسب مدرک بود تا درک مطلب و اغلب خوشنویسان همچنان به صورت بی‌برنامه و اتفاقی به مشق خویش مشغول بودند و بیش از آن که برای زندگی هنر خویش برنامه‌ای داشته باشند، مخاطب و فضای عمومی جامعه به هدایت آنها می‌پرداخت. جامعه‌ای که انقلاب و جنگ و تحریم و

محرومیت‌هـای بسـیاری را تجربـه کـرده بـود.

در پنجـاه سـال گذشـته کمتـر هنرمنـدی را می‌تـوان یافـت کـه بـه دور از غوغـای مدرک‌گرایـی و تکیـه زدن بـر کرسـی تدریـس، در خلـوت کارگاهـش بـه کار حرفـه‌ای مشـغول باشـد. از خفـی تـا جلـی را اسـتادانه بنویسـد. هـم کیفیـت هنـرش را حفـظ کنـد و هـم مخاطـب داخلـی و خارجـی را در نظـر داشـته باشـد. بـه ایـن معرفـت رسـیده باشـد کـه توانایی‌هـای خویـش را بشناسـد و خـود را نـه کمتـر از آنکـه هسـت بدانـد و نـه بیـش از آنچـه هسـت بپنـدارد. از دیگـر صفـات رسـولی اسـتمرار و مداومـت اسـت و از نوجوانـی دریافتـه کـه از جملـه رمـوز جاودانگـی، پُـرکاری و دائم‌المشـق بـودن اسـت. نمایشـگاه‌های او بـرای صدهـا هنرمنـد جـوان الهام‌بخـش بـوده و بـی آنکـه از تعلیـم حضـوری او بهره‌منـد شـوند و بـه شـاگردپروری بپـردازد، از ایده‌هـا و اجراهـای دقیـق‌اش آموخته‌انـد و از اینـرو بسـیاری از جوانـان نوگـرای، وامـدار تلاش‌هـای وی هسـتند.

او نخسـتین خوشنویسـی اسـت کـه در کشـورهای عربـی بـه ارائـهٔ حرفـه‌ای نقاشـیخط پرداخـت و هنـر ایرانـی را بـه شـهرت رسـاند و در بسـیاری از مسـابقات بین‌المللـی حضـور داشـت و بـه داوری پرداخـت. متدیّـن اسـت و در سـلوک و رفتـار، صـادق و بـه دور از خودنمایی‌هـای افراطـی اسـت و مصـداق:

کردار بیار و گِردِ گفتار مگرد

چون کرده شود کار، بگویند که کرد

بـرای اسـتاد جلیـل رسـولی، تندرسـتی و توفیـق بیـش از پیـش آرزومنـدم و امیـدوارم کـه همچنـان در قلمـرو خـط قلـم برانـند و بدرخشـند.

حمیدرضا قلیچ‌خانی، پژوهشگر خوشنویسی

تابستان ۱۴۰۵

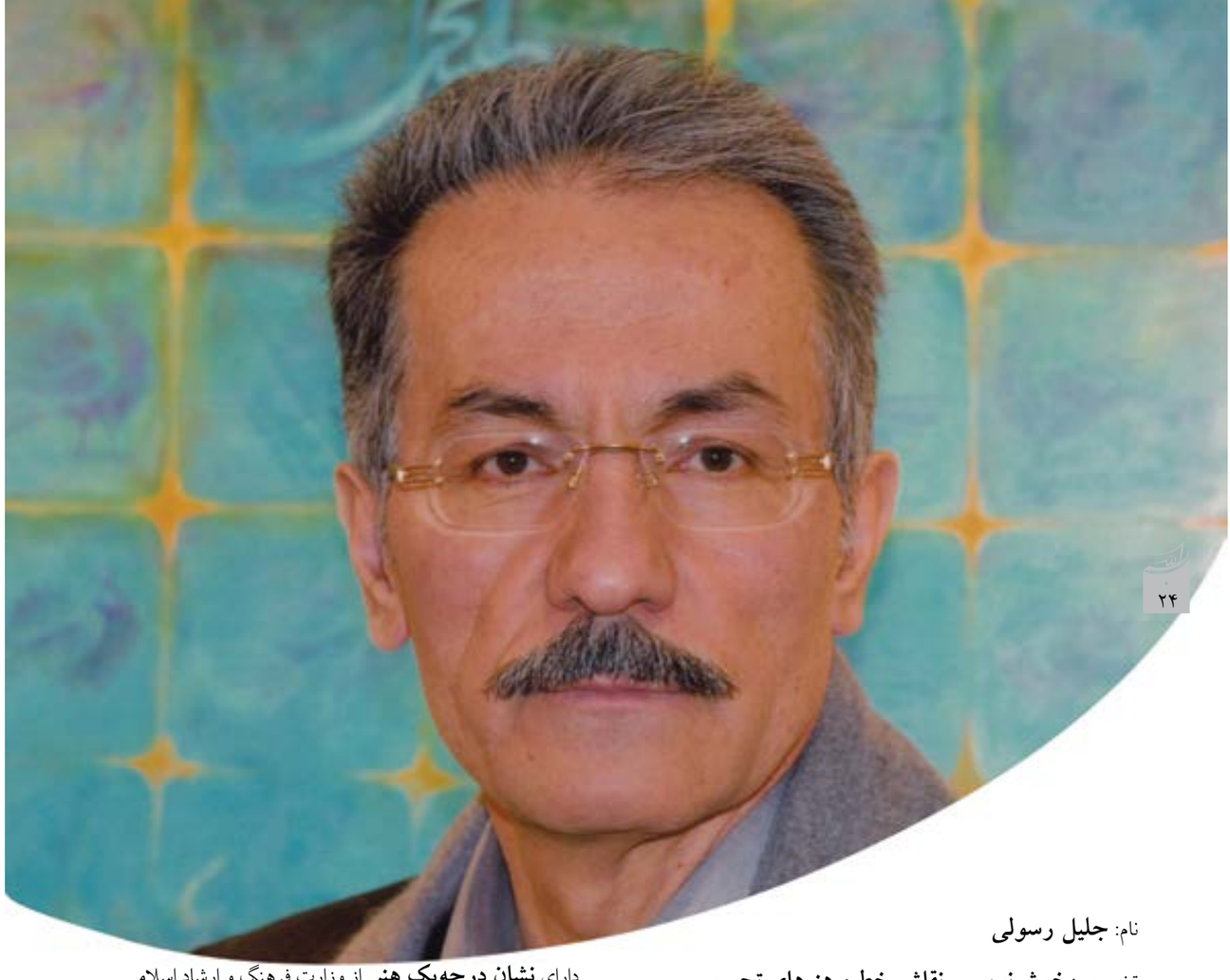

نام: **جلیل رسولی**

تخصص: **خوش‌نویسی، نقاشی‌خط و هنرهای تجسمی**

تاریخ تولد: **۴ مهر ۱۳۲۶**

محل تولد: **همدان**

دارای **نشان درجه‌یک هنر** از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خادم قرآن

پیرغلام حسینی

سوابق حرفه‌ای و مسئولیت‌ها

– عضو وابسته فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران

– داور دوسالانه‌ها و جشنواره‌های متعدد خوش‌نویسی ایران

نمایشگاه‌های انفرادی

۱۳۵۲. اولین نمایشگاه انفرادی، گالری سیحون، تهران

۱۳۵۳. دومین نمایشگاه انفرادی، گالری سیحون، تهران

۱۳۵۴. سومین نمایشگاه انفرادی، تهران

۱۳۵۶. پنجمین نمایشگاه انفرادی، تهران

۱۳۵۷. ششمین نمایشگاه انفرادی، گالری شیخ، تهران

۱۳۵۸. نمایشگاه‌های انفرادی، فرهنگسرای نیاوران و موزه نگارستان، تهران

۱۳۵۹. دهمین نمایشگاه انفرادی، آلیانس فرانسز، تهران

۱۳۶۰. یازدهمین نمایشگاه انفرادی سیمرغ، موزه هنرهای معاصر، تهران؛ نمایشگاه انفرادی، پاکستان

۱۳۶۲. نمایشگاه‌های انفرادی، دمشق، سوریه؛ واتیکان، رم، ایتالیا

۱۳۶۵. پانزدهمین نمایشگاه انفرادی، موزه هنرهای معاصر، تهران

۱۳۶۷. شانزدهمین نمایشگاه انفرادی، موزه هنرهای معاصر، تهران

۱۳۶۹. هفدهمین نمایشگاه انفرادی چهارفصل، موزه هنرهای معاصر، تهران

۱۳۷۱. نمایشگاه انفرادی، قطر

۱۳۷۲. نمایشگاه انفرادی، تالار وحدت، تهران

۱۳۷۳. نمایشگاه‌های انفرادی، چهار شهر لبنان؛ موزه ملی دمشق، سوریه

۱۳۷۵. نمایشگاه انفرادی (۷۲ اثر)، مرکز فرهنگی ارسباران و جشنواره خوش‌نویسی جهان اسلام، کویت

۱۳۷۷. نمایشگاه انفرادی، کویت

۱۳۷۹. نمایشگاه انفرادی (آثار خوش‌نویسی کلاسیک)، مرکز فرهنگی نیاوران، تهران

۱۳۸۴. نمایشگاه انفرادی باغ بهشت، آکادمی هنر، تهران

۱۳۸۷. نمایشگاه انفرادی و برگزاری کارگاه آموزشی، شارجه

۱۴۰۱. نمایشگاه انفرادی خوش‌نویسی (درخت دوستی بنشان)، نگارخانه گویا، تهران

۱۴۰۵ . نمایشگاه انفرادی نقاشی‌خط (بِ بسم‌الله)، مجموعه فرهنگی ـ هنری آسمان

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۵۵. نمایشگاه گروهی هنر اسلامی، لندن، انگلستان

۱۳۷۵. دوسالانه خوش‌نویسی، کویت (مهرگان کلمات التراث الاسلامیه)

۱۳۸۶. نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی، بحرین (گالری الباره)

۱۳۸۶. نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی، دبی

۱۳۸۷. نمایشگاه استادان بزرگ نستعلیق، موزه هنرهای معاصر، تهران

۱۳۸۷. نمایشگاه خوش‌نویسی، سوریه

۱۳۸۸. نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی، کویت

۱۳۸۹. داور بین‌المللی خوش‌نویسی در IRCICA، استانبول، ترکیه؛ مراسم اختتامیه ابوظبی؛ نمایشگاه خوش‌نویسی جهان اسلام، قزوین

۱۳۹۷. نمایشگاه گروهی نقاشی، خطاطی، نقاشی‌خط و نگارگری (قاب تجلی)، گالری خانه هنرمندان (ممیز)

۱۳۹۸. نمایشگاه گروهی نقاشی‌خط (خط آزاد)، گالری آرتیبیشن

۱۳۹۸. نمایشگاه گروهی نقاشی‌خط (دلنوازان)، نگارخانه گویا، تهران

آثار و تألیفات

- کتابت دیوان امام خمینی
- جان جانان (مجموعه آثار)
- چهارفصل (مجموعه آثار)
- یادگار عشق (مجموعه آثار)
- کتابت ترجمه نهج‌البلاغه دکتر شهیدی تا صفحه ۲۷۰
- باغ ملکوت (مجموعه آثار)، تقدیم به سالار کربلا، امام حسین(ع)
- مرقع باغ سبز
- مرقع یادگار
- مجموعه ۳۰ سال تلاش در زمینه خط و نقاشی‌خط
- نورعلی‌نور (مجموعه آثار)، با محوریت موضوعات قرآنی و در قالب نقاشی‌خط
- بیتی از فردوسی با خوش‌نویسی این هنرمند بر پشت اسکناس پنج‌هزار تومانی
- نام‌نوشت فیلم محمد، ساخته مجید مجیدی
- خوش‌نویسی و تعلیم خوش‌نویسی در کتاب درسی هنر در اوایل انقلاب
- خلق آثار فاخر در مجموعه‌های خصوصی و عمومی داخل و خارج ایران
- طراحی و اجرای آثار بزرگ‌مقیاس برای اماکن فرهنگی و مذهبی
- خوش‌نویسی دور گنبد حضرت معصومه(س) در قم، ۳۷ متر در بالاو پایین
- خوش‌نویسی اسکناس پانصد هزار تومانی

جوایز و تقدیرنامه‌ها

- دریافت نشان درجه‌یک هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- داوری چندین دوره دوسالانه خوش‌نویسی ایران
- تقدیر از سوی سازمان‌های فرهنگی داخلی و بین‌المللی
- داوری جشنواره خوش‌نویسی جهان اسلام در تهران، سال ۱۳۷۵
- چهرهٔ ماندگار در رشته نقاشی‌خط و خوش‌نویسی توسط صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
- داوری و ورک‌شاپ و نمایشگاه در نجف اشرف

فرهنگستان هنر

مجموعه فرهنگی-هنری آسمان

دبیر نمایشگاه (کیوریتور):
مسعود ناصری

طراح گرافیک و مشاور هنری:
فرزاد ادیبی

دبیر تحریریه:
زهرا مهاجری

ویراستار:
سعید فرمانی

به یاد ندارم کی و کجا جرقه این آثار برایم زده شد. سپاس خداوندی را که به ذهن این حقیر جاری ساخت تا این آثار را به تصویر بکشم و وارد فضای عطرآگین تازه‌ای از دریافت زیبایی شوم و از نقش‌زدن به چهارده پرده «سوره حمد» و هفت پرده «سوره توحید»، که معنی کلی قران کریم در این دو سوره نهفته است، توفیق پیدا کنم با الف‌های سر به آسمان کشیده که نگاه تازه‌ای را نوید می‌دهد همراه شوم و به اوج آسمان‌ها و نور مطلق سفر کنم. وسواس و دقت در کار، تا مراحل نهایی، جان عاشق می‌طلبد. باید زلال شد تا زلالی در اثر به هنر ناب تجلی پیدا کند و به مخاطب منتقل شود.

اکنون، پس از شصت‌وپنج سال کار مداوم و برگزاری چهل‌ویکمین نمایشگاه انفرادی در ایران، افتخار نمایش آثار پیش روی شما در گالری آسمان برایم مهیا شد تا چشمان مشتاق شما را به ضیافتی دیگر دعوت کنم.

https://www.honar.ac.ir
https://aseman.honar.ac.ir